

برای افزایش ایمنی صورت گرفت

ساخت سایبان برای ایستگاه‌ها

صد سایبان ایستگاه اتوبوس در منطقه ساخته و بهسازی شد. معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار منطقه از ایمن‌سازی ایستگاه‌های اتوبوس با توجه به افزایش استفاده از حمل و نقل عمومی در فصل مدرسه گفت و افزود: «ساخت سایبان در ایستگاه‌های اتوبوس منطقه در حال انجام است» «یرج ولی نژاد» نصب تابلوهای

راه‌نمای خطوط اتوبوسرانی به همراه نقشه‌های مسیرهای اتوبوسرانی را از دیگر اقدامات حوزه ترافیک منطقه در طرح استقبال از مهر عنوان کرد. وی گفت: «شهرداری منطقه برای سهولت تردد شهروندان در استفاده از حمل و نقل عمومی در مهرماه اقدامات مورد نیاز را انجام می‌دهد.»

دادرس مرادی

بیسیم چی دیروز و امروز



دادرس مرادی

سال‌های نخست دهه ۶۰ را خوب به خاطر دارم. همان سال‌هایی که نوجوانی بیش نبود و هر شب برای روز بعد نقشه می‌کشید که چطور پدر و مادرش را برای رفتن به جبهه راضی کند. بالاخره نقشه‌هایش جواب داد و «دادرس مرادی» هم مثل صدها نوجوان دیگر به آرزوی رسیدن برای جنگیدن به جبهه رفت. با وجود سن کمش اما مسئولیت‌های فراوانی را به عهده گرفت. او به همراه چند نفر دیگر از هم‌زمانش مسئولیت نگهداری و حفظ مناطق جنگی را داشت که رزمندگان

در عملیات‌های مختلف آن را از عراقی‌ها پس گرفته بودند. خاطرات دادرس مرادی از تپه‌های سومار، هفته تپه و ارتفاعات ۳۰۴ برای یک عمر در ذهنش حک شده است. او می‌گوید: «سال ۶۴ بود که در ارتفاعات ۴۰۳ مجروح شدم. آن زمان بیسیم چی هم بودم و حالا هم که سال‌ها از جنگ می‌گذرد طور دیگری به خلق خدا خدمت می‌کنم و در اداره بیسیم شهرداری منطقه ۲ مشغول به کارم.» خاطرات بیسیم چی کوچک روزهای جنگ از سال‌های خون و حماسه فراموش نشدنی است. درک رزمندگان از دفاع مقدس و شرایط آن سال‌های ایران در جنگ آنقدر عمیق بود که آستانه تحمل همه آنها را تا حد انسان‌های پخته و تجربه دیده بالا برده بود. مرادی می‌گوید: «یادم می‌آید در تپه‌های سومار روزهای بسیاری بی‌غذایی و خوردن آب کثیف را از روی ناچاری تحمل می‌کردیم اما هیچ‌کس خم به ابرویش نمی‌آورد. آن سال‌ها هر رزمنده برای خودش خالق نوعی حماسه بود.»

گزیده گفت و گو

- ادبیات دفاع مقدس مظلوم است، چون هنوز خیلی‌ها باورش نکرده‌اند.
- حتی بسیاری از افرادی که خودشان در حوزه ادبیات دستی در کار دارند معتقدند که این ادبیات متعلق به دورهای خاص است که باید بایگانی شود.
- با انتقاد به صدا و سیما موافقم. تلویزیون می‌تواند تأثیر بسیاری در زمینه ترویج فرهنگ و ادبیات دفاع مقدس در جامعه داشته باشد
- مسئولان در تمام سال دغدغه دفاع مقدس را داشته باشند.
- اگر دوباره زندگی‌ام را شروع کنم باز هم سراغ ادبیات دفاع مقدس می‌روم.
- به شعر قطار اندیمشک تعلق خاصی دارم.

مجتبی یار محمدی

لحظه‌های فراموش نشدنی جنگ



مجتبی یار محمدی

عملیات نصر، حاج عمران، شهرک ماهوت، عملیات بیت‌المقدس. او هم مثل خیلی از هم‌زمانش نوجوان بود و با دستکاری در شناسنامه و راه‌های دیگری که آن سال‌ها بین نوجوانان مشتاق به جنگیدن باب بود به جبهه رفت. «مجتبی یار محمدی» خیلی زود توانست خود را در میان نیروهای عملیاتی جا کند. او به‌عنوان امدادگر در چند عملیات مهم حضور داشت و در دو عملیات مهم حاج عمران و نصر ۸ موج انفجار و اصابت ترکش، نعمت سلامتی را برای همیشه از او گرفت و

نامش را جزو جانبازان قرار داد. او می‌گوید: «بعضی از صحنه‌ها در جنگ تا ابد از ذهن هیچ‌کس پاک نمی‌شود مثل صحنه شهادت دو فرمانده گردان ما که با هم برادر بودند. یادم می‌آید در عملیات حاج عمران تک تیراندازهای عراقی یکی از بچه‌ها را با تیر زد. من هم جلو رفتم تا به‌عنوان یک امدادگر فعالیت‌های پزشکی را که بلد بودم انجام دهم. شرایط سخت بود و خیلی از نیروها شهید شده بودند. یکی از فرماندهان گردان دستم را گرفت و گفت اگر بروی تو را هم می‌زنند نرو. همراه با برادرش چند قدمی از من دور نشده بود و من هنوز مشغول اصرار بودم که جلوی چشمانم یک خمپاره ۶۰ هر دوی آنها را به شهادت رساند.»



بله. با این انتقاد موافقم. چون در شرایط جامعه امروز رسانه ملی بیشترین فرصت را در اختیار دارد، شاید خیلی از مردم اهل رفتن به فروشگاه کتاب نباشند و اصلاً کتاب سهمی در سبب فرهنگی خانواده‌شان نداشته باشد اما تلویزیونشان را که خاموش نمی‌کنند. پس متولیان صدا و سیما بهترین ابزار را در اختیار دارند که دفاع مقدس را به مردم بشناسانند. یکی از ارزنده‌ترین کارهایی که تا به حال در صدا و سیما انجام شده نمایش مستندهای روایت فتح است که هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها خیلی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما این کافی نیست. دفاع مقدس و فرهنگ و ادبیات آن باید توسط صدا و سیما وارد زندگی روزمره مردم شود اما به شکلی هنرمندانه آن‌طور که در عمق اندیشه و ذهن مخاطبان نفوذ کند و ماندگار شود.

«به نظر من برگزاری جشنواره و همایش‌های این چنینی مثل همایشی که شما امروز قرار است در آن حضور داشته باشید چقدر می‌تواند در آشنایی دادن و شناساندن دفاع مقدس به مردم تأثیر داشته باشد؟»

نمی‌توان منکر تأثیر برگزاری چنین همایش‌هایی شد، به این شرط که این همایش‌ها و حرف‌زدن‌ها در مورد دفاع مقدس فقط خاص یک هفته آن هم به دلیل ثبت دفاع مقدس در تقویم ملی‌مان نباشد و مسئولان دغدغه این موضوع را در تمام ۳۶۵ روز سال داشته باشند.

«شما در سال‌هایی از دهه ۶۰ به سمت ادبیات عرب رفتید، چه شد که سر از ادبیات دفاع مقدس در آوردید؟»

من در آن سال‌ها در خصوص فلسطین و دیکتاتوری در بعضی از کشورهای عربی و به‌طور خلاصه در وادی ادبیات مقاومت شعر می‌گفتم. اما بعد گذشت یکی دو سال از جنگ و دفاع مقدس دیدم ریشه‌هایی در این جنگ هست که من را به سمت خودش می‌کشاند.

«اگر زمان به عقب برگردد و علیرضا قزوه یک بار دیگر بخواهد وارد وادی شعر و شاعری شود باز هم دفاع مقدس و جنگ را برای شعر گفتن انتخاب می‌کند؟»

قطعاً. اگر چند بار بمیرم و زنده شوم و بخواهم شاعر شوم باز هم دفاع مقدس و ادبیات مقاومت را برای شعر و شاعری انتخاب می‌کنم

«شما پیش از صدها شعر در خصوص دفاع مقدس گفته‌اید، به کدام یک از این شعرها بتان تعلق خاطر خاصی دارید؟ قطار اندیمشک»

به نظر من پژوهشگران و شاعران دفاع مقدس حق خود را نسبت به این ادبیات ادا کرده‌اند. ۴-۵ هزار جلد کتاب در حوزه‌های مختلف دفاع مقدس تا به حال چاپ شده است. تیم‌های مختلف پژوهشی چند سالی است که به‌صورت مصمم در زمینه خاطرات بازماندگان جنگ فعالیت می‌کنند و به جرئت می‌توان گفت هیچ جنگی در تاریخ چند صد ساله ایران به اندازه ۸ سال دفاع

مقدس پشتوانه فرهنگی نداشته است. این ادبیات در کشورهای دیگر هم اهمیت پیدا کرده است طوری که در فرانسه دانشجویی رساله دکتری‌اش را با موضوع ادبیات دفاع مقدس ایران نوشته است. شما نگاه کنید به رکورد فروش کتاب. خاطرات زهرا حسینی به نام «دا» رکورد فروش کتاب در خاورمیانه را شکسته و به چاپ ۱۴۰ رسیده است. این تنها کتاب ماندگار نیست: «خاطرات فهیمه»، «هرمان هور»، «پایی که جا ماند» و کتاب‌های بسیاری در این حوزه وجود دارد که ماندگار شده‌اند، اما یک جای کار می‌لنگد و آن هم نبود شناخت مردم از این حوزه ادبیات است، اگر این شناخت وجود داشت از میان ۱۰ کتاب خریداری شده ۴ کتاب به ادبیات دفاع مقدس اختصاص داشت.

«شما گفتید ادبیات دفاع مقدس گستره وسیعی دارد، فکر نمی‌کنید جنبه‌هایی از این ادبیات وجود دارد که هنوز به آن پرداخته نشده است؟»

بله. با اینکه بیش از ۲۰ سال از پایان جنگ و دفاع مقدس ایران می‌گذرد هنوز جنبه‌هایی از این جنگ هست که به آن پرداخته نشده و دلیل آن هم این است که خیلی‌ها هنوز لب به سخن باز نکرده‌اند. عظمت دفاع مقدس ما به دلیل بزرگی روح رزمندگان و جانفشانی‌هایشان بود، اما خیلی از آنها هنوز ناگفته‌هایشان را نگفته‌اند. مثلاً بابانظر که یکی از رزمندگان جنگ بود در روزهای آخر عمرش خاطراتش را بازگو کرد که این خاطرات در قالب کتاب خواندنی به نام خاطرات بابا نظر تا به حال چندین بار چاپ شده است. امثال بابانظرها بسیارند که حرف‌هایشان در صندوقچه خاطرات سینه‌شان خاک می‌خورد و البته این وظیفه متولیان فرهنگی است که آنها را پیدا کنند و از آنها بخواهند تا حرف‌هایی که می‌تواند سازنده و تکمیل‌کننده ادبیات دفاع مقدس باشد بزنند.

«اگر کمی واقع‌نگر باشیم جای یک انتقاد تند و تیز به صدا و سیما به‌عنوان یک رسانه ملی به دلیل مقصر بودن در مظلوم بودن دفاع مقدس و ادبیات دفاع مقدس باقی می‌ماند، این‌طور نیست؟»